خبر

سومین جلد از سجادیه روی قفسه کتابفروشی‌ها

کتاب «جز حکایت دوست»، به قلم سیدمهدی شجاعی به‌تازگی توسط انتشارات نیستان هنر روانه بازار کتاب شده است. این کتاب که سومین مجلد از مجموعه حماسه سجادیه است، همچون دو مجلد پیشین به واکاوی، روایت و تحلیل وقایع تاریخی دوران حیات پربرکت امام چهارم شیعیان، حضرت علی‌ابن الحسین می‌پردازد. سیدمهدی شجاعی کوشیده است با وفاداری تمام به نص صریح تاریخ، روایتی دیگر از زندگی و سیره امام سجاد(ع) را در دسترس مخاطبان قرار دهد؛ روایتی که در عین بیانی روان و شیوا به بسیاری از ابهامات تاریخی پیرامون آن دوران پاسخ می‌دهد. وی در این مجموعه تنها راوی صرف تاریخ نیست. داستان‌گوی صرف هم نیست، بلکه تلاش می‌کند در قالب روایت داستانی که تماما مستند به مستندات تاریخی معتبر است، پرده از رازهایی بردارد که دانستن آنها برای صاحبان خرد لازم و ضروری است. کتاب اول از این مجموعه، با عنوان «تویی به جای همه»، با گریز مکرر به واقعه کربلا، خواننده را با کاروان اسرا همراه می‌کند و کتاب دوم با عنوان «اگر غم لشکر انگیزد»، به واقعه حره می‌پردازد و آنچه در مدینه گذشت و کتاب سوم در پس روایت وقایعی که کمی پیش از مرگ یزید در مکه اتفاق افتاد، خواننده را هرچه بیشتر با اسلام و حکومت اموی آشنا می‌کند./ جام جم

در گفت‌وگوی «جام جم» با روح‌ا... شریفی، اهمیت ثبت خاطرات دفاع مقدس بررسی شد

روایت روزهای پیام‌بری

آرش شفاعی
گروه فرهنگ و هنر

«روزهای پیام‌بری: روایتی از زندگی غلامحسن حدادزادگان، پیام‌رسان و راننده پیکر شهدا» نوشته روح‌ا... شریفی است و انتشارات سوره مهر آن را منتشر کرده است. این کتاب روایتی از زندگی غلامحسن حدادزادگان، پیام‌رسان و راننده پیکر شهداست و در جایزه جلال آل‌احمد امسال یکی از نامزدهای بخش مستندنگاری بود. سوژه این کتاب، خاص و جالب است. کتاب روایت زندگی غلامحسن حدادزادگان کارمند بنیاد شهید شهر قزوین است. او بعد از مدتی فعالیت به‌عنوان پیام‌رسان شهادت تعدادی از شهدای قزوین به خانواده‌های‌شان و راننده آمبولانس پیکر شهدا انتخاب می‌شود؛ کاری سخت و خاص که دغدغه‌های ویژه خود را دارد؛ چراکه یکی از سخت‌ترین کارهای ممکن در مواجهه با خانواده شهدا را بر عهده گرفته و در سخت‌ترین لحظات زندگی افراد، باید خبر تلخ شهادت فرزندان‌شان را به آنها برساند. روایت کتاب هم به‌دلیل شخصیت راوی، خاص است. حدادزادگان آدم بامزه‌ای است و تضاد میان این وجه شخصیت او و سروکار داشتن با شهدا و تلخی‌ها و سختی‌های آن، کتاب را ویژه کرده است، ضمن این‌که ماجراهای او و جنازه‌ها گاه ترسناک است و گاه خنده‌دار ولی شخصیت ویژه حدادزادگان توانسته از دل کتابی با موضوع مرگ و تلخی، حکایت‌ها و روایت‌هایی شیرین بیرون بکشد. در این گفت‌وگو با روح‌ا... شریفی، نویسنده این کتاب درباره چگونگی تدوین این اثر پرسیده‌ایم.

؟ درباره تاریخچه فعالیت خود به‌عنوان نویسنده بگویید. شما در حوزه داستان‌نویسی هم فعالیت داشته‌اید، چرا به سمت تاریخ شفاهی متمایل شدید؟

تحصیلات من در رشته تاریخ است اما علاقه اصلی‌ام به داستان و رمان است. سال‌هاست در این عرصه فعالیت می‌کنم. تاکنون ۱۵ اثر از بنده منتشر شده که سه کتاب آن مجموعه داستان کوتاه است. در میان آنها دو کتاب «مادر سلیمان» و «تکل مازیار زارع زیر پای کریم انصاری‌فرد» شناخته‌شده‌تر هستند. سایر کتاب‌هایم ربطی به دفاع‌مقدس دارند؛ یا کار پژوهشی هستند مثل «روزشمار دفاع‌مقدس استان قزوین» یا تاریخ شفاهی هستند مثل «بی‌سنگر» یا خاطره هستند مثل «روزهای پیام‌بری». زندگینامه هم زیاد نوشته‌ام اما به‌طور کلی در هر دو فضای داستان و تاریخ شفاهی همچنان مشغول هستم و در حال حاضر هم دارم رمانی درباره خرمشهر می‌نویسم.

؟ در سال‌های اخیر توجه به تاریخ شفاهی و انتشار کتاب‌هایی با موضوع خاطرات دست‌اندرکاران جنگ تحمیلی، زیاد شده است. دلیل این امر به نظر شما چیست؟

دلیل اصلی آن تمرکز دیوانه‌وار برخی دستگاه‌های مسئول بر این قضیه است. آنها از نظر کمی‌وکیفی در حال سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی در این حوزه هستند و گاهی ارقام نجومی برای چندبرابر شدن تعداد آثار در این‌باره مطرح می‌کنند. در حالی که تاریخ شفاهی عموما روایت آدم‌هایی است که به‌عمد یا غیرعمد، سهمی در روایت رسمی ندارند و از این مسابقه کنار گذاشته می‌شوند اما در عمل بیشتر روی فرماندهان و مسئولان دفاع‌مقدس و مشاهیر سرمایه‌گذاری می‌شود؛ آنها که در تاریخ رسمی نظرشان پرسیده و روایت‌شان گفته و نوشته می‌شود. همیشه روایت با وجود ادعای جامعیت و پاسخگویی در عمل یک چیزهایی کم دارد و نمی‌تواند به همه سؤال‌های ریزودرشت جواب دهد. در واقع تاریخ شفاهی وقتی آغاز می‌شود که ما در تاریخ‌نگاری رسمی متوجه می‌شویم به خیلی موضوعات نتوانسته‌ایم یا نخواسته‌ایم که بپردازیم و می‌فهمیم روایت رسمی جنگ تحمیلی، صحنه‌ها و شخصیت‌هایی مثل راوی کتاب روزهای پیام‌بری را فراموش کرده است.

؟ بحث میان اولویت داستان و تاریخ شفاهی و اولویت داشتن یکی بر دیگری خیلی مطرح شده است. به نظر شما این بحث چقدر واقعی و مفید است؟

از نظر زمانی اولویت بر روایت شفاهی است. یعنی ما باید اول هرچه خاطره و قصه را که هست، ثبت و ضبط کنیم. پس از نگارش انبوه خاطرات و روایت‌های جنگ نوبت به رمان و داستان می‌رسد. رمان و داستان می‌آید و کاستی‌های روایت مستند جنگ را جبران می‌کند و زیر سایه فلسفه و تخیل خلاق و جهان‌بینی نویسندگان، گذشته و آدم‌های آن را به نوعی بازروایت می‌کند تا ما به آینده بیشتر و درست‌تر فکر کنیم. اگر منظورتان را درست متوجه شده باشم پرداختن به این‌که اولویت با کدام‌یک از اینهاست بحثی فرعی و شاید زرگری است. هرکدام از این دو گونه جایگاه خود را در سپهر ادبیات ما دارند. درست است که خاطره‌نگاری موفق‌تر و چشمگیرتر بوده اما از این ماجرا نمی‌توان نتیجه گرفت که رمان به وظیفه خودش عمل نکرده است. ما اگرچه با خلق آثار نبوغ آمیز در ادبیات داستانی فاصله داریم اما آثار موفق زیادی را خلق کرده‌ایم. حتی باید گفت تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری ما نقشی را که باید ایفا می‌کرده، نکرده است. تضادها، ابهام‌ها و نقص‌هایی که در روایت فعلی وجود دارد باعث سردرگمی می‌شود و گاه انسان ترجیح می‌دهد بگذارد گذر زمان یک‌سری چیزها را از تاریکی دربیاورد.

> **باید بدانیم که برای استخراج گنج و دفینه باارزشی چون جنگ تحمیلی به برنامه‌ای ۱۰۰ ساله و ۲۰۰ ساله فکر کنیم**

؟ در سال‌های اخیر شاهدیم که مسابقه‌ای بین نهادها و دستگاه‌ها برای انتشار خاطرات دفاع‌مقدس به‌پا شده است. آیا این مسابقه که به کمیت کتاب‌های خاطرات کمک کرده است، در مجموع به نفع ادبیات دفاع‌مقدس است؟

پرسش سختی است. ما خیلی عقب هستیم. خیلی قصه‌ها و شخصیت‌ها را از دست داده‌ایم اما این نباید باعث شود از طرف دیگر بام بیفتیم. می‌توانم بگویم که ادبیات جنگ باید در بستر زمان و با صبر و حوصله متولد و بزرگ شود. این مهم با دستورالعمل و عجله و به قول شما مسابقه محقق نمی‌شود. باید کار به کاردان سپرده شود، به نویسنده‌ای که مورخ پرساست. یا نوعی بازجوی کارکشته که کارش بازجستن حقیقت در دل تاریخ است. به کسی که شخصیت‌پردازی را بلد است. ما خیلی از سوژه‌ها را خراب کرده‌ایم. خیلی از راه‌ها را نباید می‌رفتیم و رفته‌ایم و متاسفانه فکر می‌کنیم معماری در فرهنگ و ادبیات مثل پیمانکاری ساختمان است که با کار شبانه‌روزی و سه‌شیفته و بی‌درنگ و حزم و احتیاط انجام می‌شود و اگر دیگران تا به حال نکرده‌اند به‌خاطر بی‌عرضگی و اهمال‌کاری‌شان بوده. باید بدانیم که برای استخراج گنج و دفینه باارزشی چون جنگ تحمیلی به برنامه‌ای ۱۰۰ ساله و ۲۰۰ ساله فکر کنیم.

؟ در طول دوران جنگ تعداد زیادی از کارکنان نهادها، نقش خبردهی به خانواده شهدا را برعهده داشته‌اند. چه ویژگی خاصی در آقای حدادزادگان بود که او را برای مصاحبه انتخاب کردید؟

شخصیت آقای حدادزادگان و ماجرای دوخطی زندگی او جذاب و تقریبا منحصربه‌فرد است. یک آدمی‌که از جنازه می‌ترسد مجبور می‌شود راننده آمبولانس پیکر شهدا شود یا کسی که پیام‌رسانی را درست انجام نمی‌داده یکدفعه مجبور می‌شود خبر شهادت برادر خودش را به مادرش بدهد. بر همه اینها باید یک چیز دیگر هم اضافه کرد و آن بذله‌گویی و رفتارهای عجیب راوی در موقعیت‌های سخت است. به‌هرحال کتاب ترکیبی از اشک و لبخند است و خاطرات مهمی را از گذشته همه ما زنده می‌کند.

؟ بحث میان اولویت داستان و تاریخ شفاهی و اولویت داشتن یکی بر دیگری خیلی مطرح شده است. به نظر شما این بحث چقدر واقعی و مفید است؟

از نظر زمانی اولویت بر روایت شفاهی است. یعنی ما باید اول هر چه خاطره و قصه را که هست، ثبت و ضبط کنیم. پس از نگارش انبوه خاطرات و روایت‌های جنگ، نوبت به رمان و داستان می‌رسد. رمان و داستان می‌آید و کاستی‌های روایت مستند جنگ را جبران می‌کند و زیر سایه فلسفه و تخیل خلاق و جهان‌بینی نویسندگان، گذشته و آدم‌های آن را به نوعی باز روایت می‌کند تا ما به آینده بیشتر و درست‌تر فکر کنیم. اگر منظورتان را درست متوجه شده باشم پرداختن به این‌که اولویت با کدام‌یک از اینهاست بحثی فرعی و شاید زرگری است. هرکدام از این دو گونه جایگاه خود را در سپهر ادبیات ما دارند. درست است که خاطره‌نگاری موفق‌تر و چشمگیرتر بوده اما از این ماجرا نمی‌توان نتیجه گرفت که رمان به وظیفه خودش عمل نکرده است. ما اگرچه با خلق آثار نبوغ آمیز در ادبیات داستانی فاصله داریم اما آثار موفق زیادی را خلق کرده‌ایم. حتی باید گفت تاریخ شفاهی و خاطره‌نگاری ما نقشی را که باید ایفا می‌کرده، نکرده است. تضادها، ابهام‌ها و نقص‌هایی که در روایت فعلی وجود دارد باعث سردرگمی می‌شود و گاه انسان ترجیح می‌دهد بگذارد گذر زمان یک‌سری چیزها را از تاریکی دربیاورد.

؟ در سال‌های اخیر شاهدیم که مسابقه‌ای بین نهادها و دستگاه‌ها برای انتشار خاطرات دفاع‌مقدس به‌پا شده است. آیا این مسابقه که به کمیت کتاب‌های خاطرات کمک کرده است، درمجموع به نفع ادبیات دفاع‌مقدس است؟

پرسش سختی است. ما خیلی عقب هستیم. خیلی قصه‌ها و شخصیت‌ها را از دست داده‌ایم اما این نباید باعث شود از طرف دیگر بام بیفتیم. می‌توانم بگویم که ادبیات جنگ باید در بستر زمان و با صبر و حوصله متولد و بزرگ شود. این مهم با دستورالعمل و عجله و به قول شما مسابقه محقق نمی‌شود. باید کار به کاردان سپرده شود. به نویسنده‌ای که مورخ پرساست. یا نوعی بازجوی کارکشته که کارش بازجستن حقیقت در دل تاریخ است. به کسی که شخصیت‌پردازی را بلد است. ما خیلی از سوژه‌ها را خراب کرده‌ایم. خیلی از راه‌ها را نباید می‌رفتیم و رفته‌ایم و متاسفانه فکر می‌کنیم معماری در فرهنگ و ادبیات مثل پیمانکاری ساختمان است که با کار شبانه‌روزی و سه‌شیفته و بی‌درنگ و حزم و احتیاط انجام می‌شود و اگر دیگران تا به حال نکرده‌اند به‌خاطر بی‌عرضگی و اهمال‌کاری‌شان بوده. باید بدانیم که برای استخراج گنج و دفینه باارزشی چون جنگ تحمیلی به برنامه‌ای ۱۰۰ ساله و ۲۰۰ ساله فکر کنیم.

؟ در دوران جنگ تعداد زیادی از کارکنان نهادها، نقش خبردهی به خانواده شهدا را برعهده داشتند، چه ویژگی خاصی در آقای حدادزادگان بود که او را برای مصاحبه انتخاب کردید؟

شخصیت آقای حدادزادگان و ماجرای دوخطی زندگی او جذاب و تقریبا منحصر به فرد است. آدمی‌که از جنازه می‌ترسد مجبور می‌شود راننده آمبولانس پیکر شهدا بشود یا کسی که پیام‌رسانی را درست انجام نمی‌داده یک دفعه مجبور می‌شود خبر شهادت برادر خودش را به مادرش بدهد. به همه اینها باید یک چیز دیگر هم اضافه کرد و آن بذله‌گویی و رفتارهای عجیب راوی در موقعیت‌های سخت است. به هر حال کتاب ترکیبی از اشک و لبخند است و خاطرات مهمی را از گذشته همه ما زنده می‌کند.

بخشی از کتاب

از همان روز اول قصه شروع شد

ماجرا شاید از پاییز ۱۳۶۰ شروع شد. از زندان چوبیندر که سه بند داشت و ۳۰۰ زندانی. بند سیاسی‌ها، بند تعزیری‌ها و بند معتادها. آن یک گُله جاپر بود از تنش و التهاب. آدم‌هایی آنجا بودند که در منتهای ناامیدی و خشم روزگار می‌گذراندند و تو باید سعی می‌کردی مثل یک سایه در میان آنها باشی. سایه‌ای که نه تر می‌شود و نه اجازه دارد از داغی و سردی آن آدم‌های متحرک پشت دیوارهای بلند و میله‌های سرد، تأثیری بپذیرد. هیچ تأثیری! نه از دردهاشان و نه از آرزوهاشان. از همان روز اول قصه شروع شد. برای من اولین بحران روبه‌روشدن با بچه‌محل‌هایم بود. کسانی که سال‌ها در دوران کودکی و نوجوانی با هم بازی کرده بودیم و حالا به جرم‌های مختلفی مثل حمل مواد مخدر، تصادف و قتل غیرعمد یا بدهکاری به زندان آمده بودند. وقتی با آن لباس‌های راه‌راه می‌دیدمشان یاد خاطرات دور می‌افتادم. روزهایی که مادرم با کنترلی شدید روی رفتارهای ما در محله دباغان نظر داشت. هیچ بچه‌ای حق نداشت بعد از تاریکی مغرب به خانه برگردد. همه‌مان وقتی وارد می‌شدیم، مادرم بازرسی بدنی‌مان می‌کرد. باید نفس‌مان را بیرون می‌دادیم تا معلوم شود دهن‌مان بوی سیگار یا زهرماری ندهد. جملهٔ تکراری مادرم که نوعی التماس در خودش پنهان کرده بود این بود: «ببم! من شما را با بدبختی بزرگ کردم.» این جمله مثل بذری در خاک ذهن و روح ما کاشته شده بود و روزبه‌روز رشد می‌کرد و ما را در قبال سرنوشت‌مان در آینده هشیار می‌کرد.

دیدگاه

همه عناصر داستانی در آثار نظامی وجود دارد

هادی خورشاهیان، شاعر و نویسنده گفت: یکی از دلایلی که به سمت بازنویسی آثار کلاسیک نمی‌رویم، سختی‌های آن و دشوار بودن مطالعه آثار کلاسیک است. بازنویسی، پلی به سمت اصل اثر است و آثار نظامی نیز این ظرفیت را دارد. همه عناصر داستانی که در قرن ۱۹ و ۲۰ مطرح می‌شود بسیار پیشتر در آثار نظامی به بهترین شکل وجود داشته‌اند. وی در نشست نقد و بررسی «بازآفرینی متون کهن برای نوجوانان؛ با تکیه بر آثار نظامی» گفت: من نظامی‌شناس نیستم لکن نظامی برای من یک قله جداگانه است. ما در ادبیات روایی، شاهنامه و مثنوی را داریم اما نظامی پنج اثر دارد که پنج گنج به‌شمار می‌رود و نمی‌شود هیچ‌کدام را کمتر از آثار دیگر دانست و باید به این آثار به‌عنوان پنج قله رفیع در حفظ و گسترش زبان فارسی نگاه کرد. کرشمه‌هایی که نظامی در زبان خود دارد در زبان هیچ شاعری نیست و این پتانسیل را در آثار او می‌توان مشاهده کرد؛ لذا می‌شود این اطمینان را درباره نظامی داشت که اگر نویسنده قدرتمندی روی آثار او کار کند شاید بشود متونی همچون کلیله و دمنه را خلق کرد./ جام جم

روی قفسه

کتاب جدید طاهره شهابی برای کودکان

کتاب «پنج و ده دقیقه» سروده طاهره شهابی به‌تازگی از سوی انتشارات کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان روانه بازار کتاب شده است. این کتاب شامل ۲۶ قطعه شعر با عنوان‌های «شکوفه، شکفتن بهار، آرزو، سفر، داستان عاشقانه، رعد و برق، سبز، رفیق، هدیه، سؤال، مکث، تلاقی، شادی، هنوز، رقص، پنج و ده دقیقه، زلال، گل‌یخ، خاطره، زمین، پل، سپیدار، رویا، پرواز، پیله و به جای تو» است. طاهره شهابی این کتاب را به زنده‌یاد مادرش تقدیم کرده است که عشق به شعر و ادبیات را در جانش ریخته است. در شعر «داستان عاشقانه» این کتاب می‌خوانیم: صخره‌های جلبکی/ فسیل‌ها/ موجی از ستاره‌های آهکی/ در سرم/ چرخ می‌خورد هزار شکل/ کاش امتحان/ بی‌سؤال و بی‌جواب بود/ جای این نوشته‌ها/ داستان عاشقانه‌ای در این کتاب بود. تصویرگری جلد کتاب پنج و ده دقیقه را که در ۳۲ صفحه با شمارگان هزار نسخه برای نوجوانان بالای ۱۵ سال سروده شده است، رضوان خاوری برعهده دارد. علاقه‌مندان می‌توانند این کتاب را با قیمت ۳۵ هزار تومان از فروشگاه‌های کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان سراسر کشور خریداری کنند.

قاب

روزی که حماسه‌سرای بزرگ کتابش را تمام کرد

آنچه می‌بینید، تصویری از شاهنامه طهماسبی یکی از شاهکارهای نگارگری ایران است که به ماجرای کشته‌شدن خسروپرویز مربوط است. امروز بنا به نظر بسیاری از کارشناسان ادبی و استادان ادبیات، به استناد یکی از ابیات شاهنامه فردوسی، روزی است که این حکیم بزرگ زبان فارسی، کتاب ارجمند خود را به پایان برد. البته این دیدگاه در میان استادان ادبیات مخالفانی هم دارد اما نظر غالب بر این است که ۲۵ اسفند سالروز پایان یافتن شاهنامه است.